

پارک‌های جنگلی، زیر تیغ لودرها

ماریچ بدقواره اتوبان‌های خاکستری، ماشین‌های سنگین راهسازی که همچنان می‌آیند و می‌روند تا جاده‌ای را که چندین متر میان درختان پارک فاصله انداخته است ...



ماریچ بدقواره اتوبان‌های خاکستری، ماشین‌های سنگین راهسازی که همچنان می‌آیند و می‌روند تا جاده‌ای را که چندین متر میان درختان پارک فاصله انداخته است، تکمیل کنند، درختان سوزنی برگ رنگ‌پریده که به چوب‌های خشک فرورفته در زمین می‌مانند، تنه‌های سقوط کرده درختان در پای تپه‌های تراش خورده، زمین‌های خشک ارتفاعات که بی‌آبی، درختان و پوشش گیاهی‌اش را از پا انداخته است و تلی از زباله‌های خشک که بی‌سر و صدا به گوشه‌ای از پارک آمده‌اند تا کارگران پرسر و صدای شهرداری تفکیکشان کنند.

سال‌هاست پارک جنگلی لویزان برای این‌که بتواند همچنان ربه تنفسی تهران باشد با کوهی از آهن و بتون و آسفالت می‌جنگد، اما حالا بسیاری از درختان آن نفس‌های آخر را می‌کشند. سال 84 وقتی سازندگان اتوبان زین‌الدین، شبانه لودرهایی که دستور داشتند با چراغ خاموش حرکت کنند به کار انداختند و چند هزار درخت پراکنده در 10 هکتار از عرصه پارک جنگلی را از ریشه درآوردند به خیلی‌ها ثابت شد که هر چیز و هر کس حتی اگر ربه پایتخت باشد اگر جلوی توسعه را بگیرد از سر راه برداشته خواهد شد. آن روزها فریاد خیلی‌ها به آسمان رفت و توجه خیلی‌ها شنیده شد، اما حالا که 5 سال از آن روزهای پراشتهاب می‌گذرد، اتوبان زین‌الدین همچنان بر گور درختان از دست رفته پیش می‌رود و ابایی ندارد از این‌که ثابت شود زیرسازی‌هایش چند 10 متر میان درختان پارک جنگلی لویزان فاصله انداخته است.

هنوز هم خیلی‌ها معتقدند اگر شهرداری به جای از ریشه درآوردن درختان، خانه‌های زوری‌سازی شمیران نو را از صاحبانش می‌خرید و برای صرفه‌جویی در بودجه از درختان و اکسیژنی که سهم مردم تهران است هزینه نمی‌کرد، هم چهره شهر مخدوش نمی‌شد و هم حریم پارک جنگلی نمی‌شکست؛ ولی حالا نه تنها اتوبان بی‌وقفه پیش می‌رود که ادامه پروژه اتوبان همت به سمت شرق، تعریض اتوبان بابایی و برخی سازه‌ها چون هتل و رستوران شیان، جایگاه سی‌ان‌جی در کنار استخر و سونای درون پارک ثابت می‌کند که دخل و تصرفات در پارک جنگلی لویزان بسیار فراتر از آن چیزی است که قانون اجازه آن را داده است.

تهران متراکم از آدم و ماشین نیاز به اکسیژن دارد، ولی مرگ تدریجی درختان حاشیه پایتخت کم‌کم این فرصت را از آن می‌گیرد و به جای درختان و گیاهان شاداب، زباله‌های تهرانی‌ها را جایگزین آن می‌کند تا در سکوت فاز 4 پارک جنگلی لویزان، کارگران پرهیاهو، کوهی از پلاستیک و کاغذ را تفکیک کنند.

البته لویزان را به راحتی می‌توان به 2 بخش تقسیم کرد، بخشی که حالت تجاری پیدا کرده و حضور دائمی مردم در آن و امید کسب سود، سرزنده‌اش نگه داشته و بخشی که از توجه مردم دورمانده و به وضوح مرگی آرام را تجربه می‌کند. این همان چیزی است که مسوولان منابع طبیعی استان تهران نیز در حین بازدید از لویزان به آن اشاره کردند و گفتند که در هر سه پارک تحت مدیریت شهرداری تهران (لویزان، چیتگر و سرخه‌حصار) در قسمت‌هایی که مردم به آن مراجعه نمی‌کنند درختان شاداب نیستند و بدون آنکه رشد مطلوبی داشته باشند فقط زنده مانده‌اند.

حاشیه امن تهران همچنان منتظر

وقتی پای راهسازی و توسعه اتوبان‌ها در میان باشد، طبیعت اولین چیزی است که نابود می‌شود. البته توسعه امری اجتناب‌ناپذیر است، ولی معلوم نیست که چرا همیشه قطع درختان و تخریب محیط اولین راهی است که انتخاب می‌شود. این همان تخریب‌هایی است که مدت‌هاست برای پارک‌های جنگلی تهران اتفاق می‌افتد و هرگز معلوم نشده است که چرا احداث بزرگراه آزادگان به سمت شمال بخشی از پارک جنگلی خرگوش‌دره در غرب تهران را از بین برد و چرا اواخر شهریور امسال شهرداری منطقه 22 برای استقرار یک تعاونی مسکن حدود 2 هزار درخت در منطقه وردآورد را قطع کرد.

پاسخ این سوال شاید هرگز مشخص نشود، یعنی همان‌طور که هرگز توضیح داده نشد که با چه توجیهی توسعه آزادراه شهید یاسینی و جاده‌های متصل به آن بخشی از پارک جنگلی سرخه‌حصار را تخریب کرد.

شاید عده‌ای فراموش کرده‌اند که وقتی در دهه 40 خورشیدی این پارک‌ها احداث می‌شده‌اند قرار بود تا برای سالیان دور نقش حاشیه‌های امن تهران را بازی کنند و استقرار آنها در اطراف پایتخت علاوه بر تامین اکسیژن، مانعی برای گسترش بی‌رویه شهر باشد، ولی حالا شهرداری نشان داده که اگرچه به توسعه فضای سبز درون‌شهری بها می‌دهد، ولی از پارک‌های جنگلی توقعی بیشتر از حد مجاز دارد.

علی‌اصغر منصور خاکی، مدیرکل منابع طبیعی استان تهران که سازمان متبوعش در اواخر دهه 60 مدیریت بهره‌برداری از 3 پارک جنگلی پایتخت را به شهرداری احاله کرده، اگرچه با کمی احتیاط ولی بالاخره تایید می‌کند که شهرداری تقاضای ساخت و ساز امکاناتی بیشتر در پارک‌های جنگلی را دارد در حالی که هنوز کتابچه شرح خدماتش را به منابع طبیعی ارائه نکرده است.

او به #171 «جام‌جم» می‌گوید: براساس ماده 3 قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور، منابع طبیعی می‌تواند مدیریت بهره‌برداری از پارک‌ها را به مجموعه‌های توانمند و صلاحیت‌دار از جمله شهرداری واگذار کند، اما ما در شرایطی حاضریم این

احاله مدیریت به شهرداری را در دفاتر اسناد رسمی ثبت کنیم که کتابچه مدیریت بهره‌برداري این نهاد تهیه شود و به تایید دفتر فني اداره منابع طبیعی برسد.

منصور خاكي توضیح می‌دهد: هرگونه تغییر کاربري و قطع درخت و استقرار امکاناتي به جز ساختمان‌هاي اقامت نگهبانان، استقرار کارگران، تاسیسات آبیاري یا خدمات تفرجي به شکل ابنیه‌هاي سبک در پارک‌هاي جنگلي ممنوع است، ولي شهرداری تقاضا دارد تا برای ارائه خدمات رفاهي بهتر به شهروندان با برخي ساخت و سازهاي سنگین آنها موافقت شود.

او که معتقد است از مجموع 3610 هکتار پارک جنگلي واگذار شده به شهرداری در بخش‌هاي محدودی از آن تخریب و دخل و تصرف صورت گرفته از خسارات وارده به این پارک‌ها و انتظار برای جبران آنها می‌گوید: این پارک‌ها امانت‌هاي هستند که به شهرداری سپرده شده‌اند، برای همین نیاز است تا برای احیاء و جایگزینی درختانی که بر اثر خشکسالي یا سرمازدگی از بین رفته‌اند یا آنهایی که به خاطر شرایط نامطلوب نگهداری به دیرزستی رسیده‌اند، سرمایه‌گذاری‌هاي لازم انجام شود. این در حالی است که این نهاد باید نسبت به پرداخت خسارات ناشی از ساخت بزرگراه‌ها و خیابان‌ها در طول 30 سال گذشته که به بیش از 100 میلیارد تومان رسیده است، نیز اقدام کند.

توافق نامه‌اي فراموش شده!

هیچ‌گاه تخریب و صدمه به محیط زیست با پول جبران نمی‌شود، هرچند که مجازات‌هاي تعیین شده برای تخریب‌گران نیز به اندازه‌اي نیست که متخلفي دست از تخریب بردارد یا خسارت تعیین شده برای احیاء محیط از دست رفته، کفاف بدهد. با این حال 2 سال بعد از روزي که لودرهای شهرداری درختان نزدیک به 10 هکتار از پارک جنگلي لویزان را از ریشه درآوردند (شهریور 86) رئیس وقت سازمان جنگل‌ها و شهردار تهران توافق نامه‌اي را امضا کردند که مطابق آن شهرداری مکلف شد تا 20 برابر تعداد درختانی را که نابود کرده است از نو بکارد، ولي حالا با گذشت 3 سال از زمان توافق هنوز هیچ آمار مستدل یا گزارشي در دست نیست که نشان دهد شهرداری به تعهداتش عمل کرده است.

این همان چیزی است که مدیرکل منابع طبیعی استان تهران نیز به آن اشاره می‌کند. منصور خاكي می‌گوید: شهرداری تهران تعهد کرده تخریب‌هایی را که به خاطر احداث راه‌ها صورت گرفته است با توسعه فضای سبز در بخش‌هاي دیگر جبران کند در حالی که به اعتقاد ما نه قطع درختي که چندین سال از عمرش می‌گذرد، توجیه‌پذیر است و نه نهال‌هایی که کاشته می‌شوند کارایی درختان چندین ساله را دارند. این در شرایطی است که درخصوص تعهد برای توسعه درختکاری و فضای سبز نیز هنوز گزارش مستندی به ما ارائه نشده هرچند که در منطقه جاجرود و جاده دماوند جنگلکاری صورت گرفته، ولي ما معتقدیم این اقدامات برای اکوسیستم همان منطقه مفید است و هرگز نمی‌تواند جایگزین پارک‌هاي جنگلي حاشیه تهران شود.

اگر پارک‌هاي جنگلي از بین بروند...

135 میلیارد و 573 میلیون و 20 هزار ریال، عدد واقعا بزرگی است ولي بزرگ‌تر از آن دانستن این واقعیت است که سازمان خواروبار جهانی ملل متحد چنین ارزش ریالی را برای جنگل‌هاي در دست کاشت استان تهران تعیین کرده است. این اعداد می‌گویند تهران به واسطه وجود پارک‌هاي جنگلي‌اش شهر ثروتمندی است، شهری که تراکم جمعیت آن نسبت به سطح 16/5 برابر میانگین کشور است و سرعت تخریب منابع طبیعی‌اش نگران‌کننده. شاید به همین علت است که مدافعان محیط‌زیست نسبت به کوچکترین تعرض به پارک‌ها حساسند حتی اگر این تعرض به خاطر توسعه امکانات شهر و رفاه مردم انجام شده باشد. شاید دادن چهره‌اي زیبا به شهر کمترین اثر جنگل‌هاي در دست کاشت باشد چون حفظ منابع آب، کنترل آب‌هاي سطحی، تغذیه سفره‌هاي زیرزمینی، کمک به کاهش آلودگی هوا، حفظ و تولید خاک و جلوگیری از رانش زمین در کنار ایجاد زیستگاه برای جانورانی که دیگر تهران را جایی امن نمی‌دانند دلایل محکمی برای حساس بودن نسبت به چگونگی نگهداری پارک‌هاي جنگلي است.

مریم خباز / جام جم